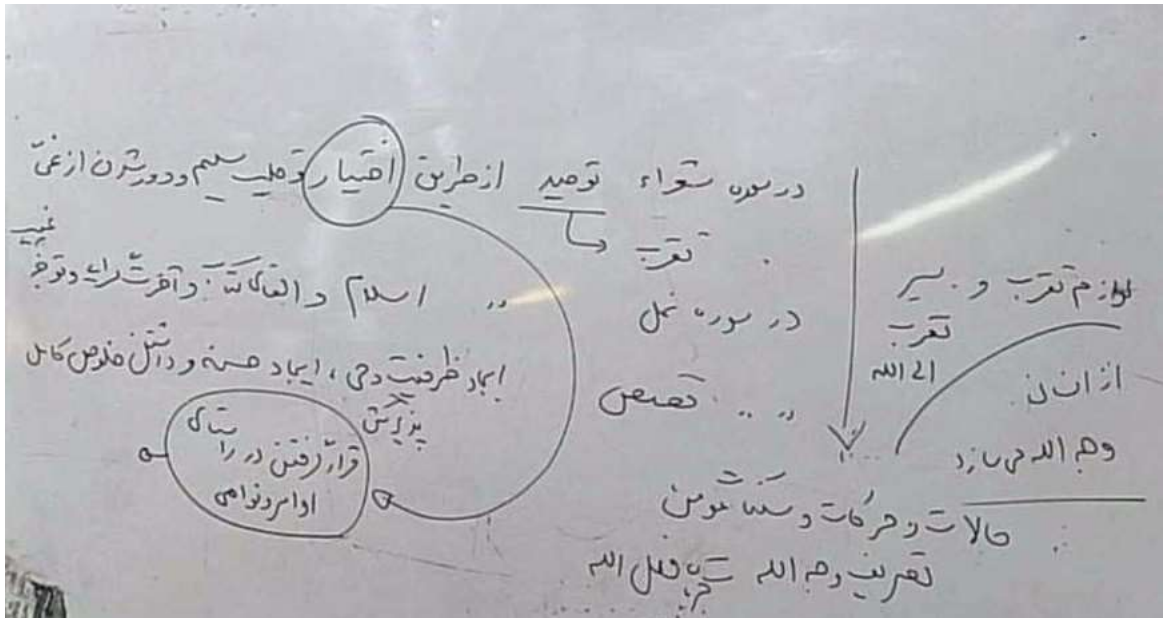


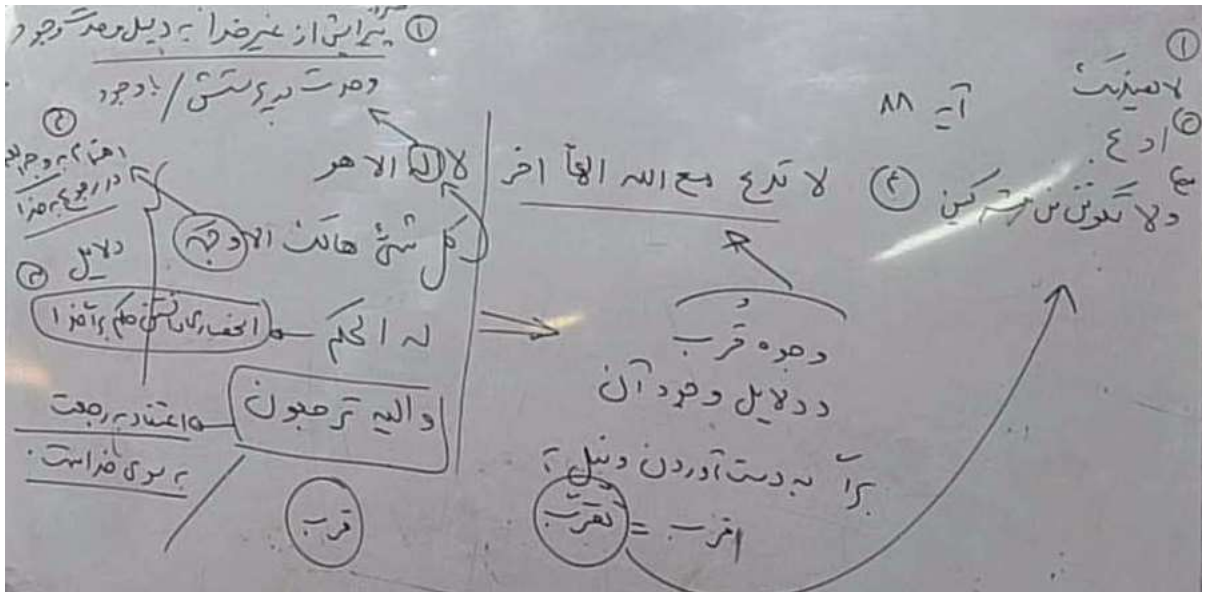
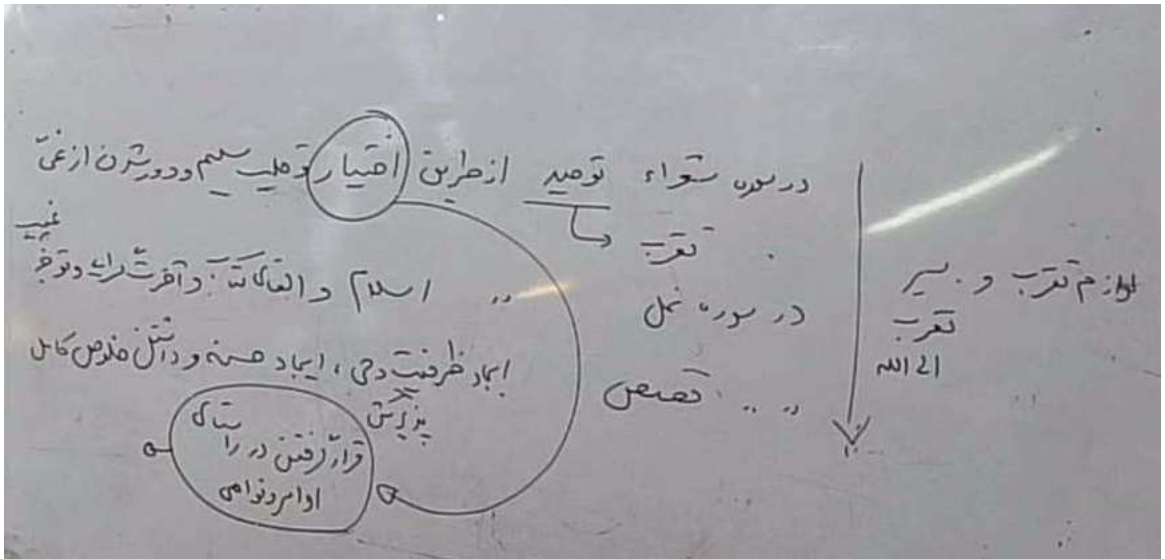
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ صَلَّی اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

جلسه سی ام فعل الله

۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲



صدرا تذکیراً بیامریس نظام دعه را از اراده است. فعل صدرا در دعه که از اراده است.  
 بیامریس میزنی را عا کرده که آن اسمی که نداشتنه است. هر قدر تحریر زنده او را  
 در راستا اهداف و تصادش نبرد بیشتر شود. بیدارند الان و یقین  
 این عمل در راستا دعه آله است. (حمله کردل سوره نماز)  
 این نغمی است که شگرتش به پیشیانه نردن از نمازان است. از این بده اگر کسی کوه پلترین پیشیانه از نمازان کند عتاب دارد سبب توفیق



① خداوند بر آبیام برش قطره ها را زار داد. است. ← فضل خدا را در دهر آینه را  
 هر قدر تجربه زنده افزايش  
 بيد آيد الان دقيق  
 بيشتر شود.

② بیام برش صیزی را عا کرده که آن اسمی که ندرسته است.  
 در راستا که اهداف و نتایجش نبوده.

این عمل در راستا که دهر آینه است.  
 این نغمی است که شگرتش به پیشینه نگریدن از کماز است. (عمل کردل سوره کماز)

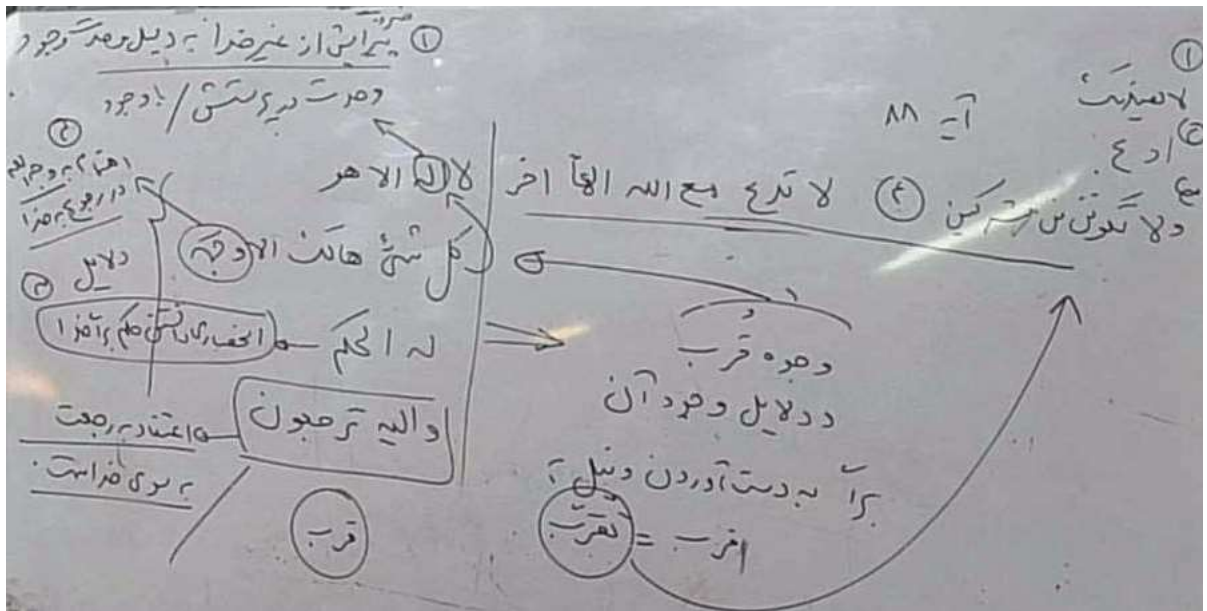
از این بعد اگر کسی کوهترین پیشینه از کمازان کند عیب دارد سبب توفیق

④ اعراض نداشتن از آیات + خواندن بی رویه پوره کماز + آلودگی نگریدن پوره کماز  
 نماندن آیات به کمال کتاب.

① لا صیغیت  
 ② ادع  
 مع  
 دلائل توفیق من کماز کن ④

لا تدع مع الله الا اخر  
 لاله الا هو  
 کل شیء هانت الا دبه  
 له الحکم  
 والیه ترجعون

دلائل



آیات ۸۵ تا ۸۹ سوره قصص به نوعی جمع بندی سوره های طواسین محسوب می شود

در این چهار آیه آنچه نمایان است این است که خداوند چه چیزی را برای پیامبر و زندگی پیامبرش در نظر گرفته چیست

غایت و رئوس اتفاقاتی که بناست برای حضرت اتفاق بیفتند چیست

در آیه ۸۵ مشخص شد که خداوند برای پیامبرش نظام وعده ها را قرار داده است

نتیجه بحث این شد که فعل خدا را در وعده هایش ببینیم

وعده های الهی محل رویت خداست

انسان به طور طبیعی با این رویت سطح یقینش بالاتر میرود

هر چقدر تجربه زندگی افزایش پیدا کند، ایمان و یقین بیشتر می شود

آیه ۸۶ سوره مبارکه قصص

هرگز در افق و چشم اندازت نبود که کتاب به تو القاء شود ولی چون خدا به تو رحمتی داشت آنرا به تو دادند. قرآن برای

پیامبر رزق لایحساب بود

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ ۗ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ

می شد که پیامبر باشد ولی کتاب نباشد

می شد که پیامبر بود و کتاب نبود

کسانی که قدر قرآن را می دانند می دانند که اگر کتاب نبود خیلی چیزها نبود

در ازای این نعمت که نعمت کتاب است چنین ایجاب می کند که حتما از کافران پشتیبانی نکنی

شیه آیات مربوط به حضرت موسی است

صدر این آیه همان وعده ای است که قبلا داده شد و حضرت علامه مطرح می کنند که این ادامه آیه قبلی و وعده آیه قبل است

در نظام وعده های الهی کتاب یک وعده اجابت شده است

کتاب داده شده است و در ازای دادن این کتاب پشتیبانی از نظام کفر خواسته شده که برداشته شود

خداوند به پیامبرش چیزی را عطا کرده است که به آن امیدی نداشته است یعنی در راستای اهداف و مقاصدش نبوده است

این عطا در راستای وعده های الهی است

وقتی می گوید کتاب یعنی معامله کتاب با آن شده است مثل این است که گفته می شود کتاب را بنویسید و مصحف کنید و

به این شکل در بیاورید

وحی به شکل کتاب وقتی می شود یعنی وحی ای صورت می گیرد می توانید به بقیه وحی های قبلی هم رجوع بکنید

کتاب یعنی اینکه سوره های کنار سوره های قبلی می نشیند و آنها را تبیین می کند

به پیامبر این توان داده شده است که وحی اش را تبدیل به کتاب کند

خود این شیوه یک شیوه آموزشی شد به این معنا که وقتی خواستند سوره ها را حفظ کنند فقط سوره های جدید را حفظ

نمی کردند بلکه سوره های قبلی را هم مرور می کردند

کتاب به شما قدرت مقابله با کفر می دهد

وقتی نعمتی در زندگی بشر جاری می شود تکلیف با خودش می آورد

کسی که بعد از کتاب از کفر پشتیبانی کند عقاب دارد

کافر برای نظام خودش وضع نماد یا زبان یا لباس می کند

اگر خاصیت برائت در زندگی ما بود وضع ما خیلی خوب می شد

کسانی که در کارهای تعلیم و تربیت هستند اگر قدرت برائت داشتند نظریه ها و درس های کفر را حذف می کردند

طبق این آیه شیوه انتقال وحی به پیامبر یلقی ای بوده است

کتاب خاصیت منظومه ای دارد

اگر کسی بخواهد از قرآن نظام دریاورد بایستی از کل کتاب نظام بدست آورد

امکان ندارد که بشر قدرت چینش کتاب قرآن را داشته باشد. قرآن خیلی منظم است

نظم قرآن عجیب است

در همه نظام ها باید استعانت به خدا داشت

خط مشی کتاب این است که شما را قوی می کند

آیه ۸۷ سوره مبارکه قصص

وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ ۖ وَأَدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ ۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

اعراض نداشتن از آیات + رفتن به سوی رب + از مشرکین نبودن به این ترتیب قرآن مکتبی درست می کند به عنوان منطوق یا دستگاہ رجوع

و لا تکونن من المشرکین عینیتی دارد که سبک زندگی درست میکند

مکتب های قرآن انشالله که استخراج شود. مکتب قرآن در حوزه آموزش و پرورش احصاء نشده است

به قرآن به عنوان کتاب پرداخته نشده است

نگاه آیه ای شده است ولی نگاه کتابی نشده است

مکتب که می گویند یعنی علم چگونه در انسان شکل می گیرد؟ چگونه جاری می شود؟

وقتی مکتب گونه رفتار نمی کنید حتما روزه هایی برای ورود شرک ایجاد می شود

وقتی به شکل منظومه ای به مسائل نگاه می کنید فعل خدا را در آن دستگاہ می بینید و در آن دستگاہ خدا هادی است

آیه ۸۸ سوره مبارکه قصص

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

سه آیه اول غرض کل سوره‌های طواسین هست و آیه آخر سوره غرض سوره و کل سوره‌های طواسین است

در ابتدای آیه پیامبر را نهی می‌کند

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

دلایل بخش اول آیه :

یک. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

دو. كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ

سه. لَهُ الْحُكْمُ

چهار. وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

برخی از امر و نهی‌های پایه دلایل مطرح شده است. خداوند در اصل‌ها دلایل را گفته است و آدم‌ها می‌روند در فروع دنبال دلیل می‌گردند

لا یصدنک، ادع و لا تكون من المشرکین و لا تدع

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ : وحدت در پرستش / پیرایش از غیر خدا

كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ : این عبارت دلیل لا اله الا هو است

شما برای اینکه بخواهید خدا را پرستید نیاز به وجه خدا دارید و بایستی بتوانید حکم خدا را در کتاب و رسول و آیات رویت کنید

اهتمام به وجه الله در رجوع به خدا

اگر کسی نتواند وجه الله را بشناسد به طور طبیعی لا اله الا الله را نمی‌تواند عمل کند

اگر کسی توان کشف وجه خدا را نداشته باشد امکان بیان لا اله الا الله را نخواهد داشت

لَهُ الْحُكْمُ : انحصاری دانستن حکم برای خدا

هیچ حکمی در هیچ ساحتی برای غیر خدا نیست

حکم آن چیزی است که تعیین کننده باید و نباید و انجام دادن و ندادن است و فقط برای خداست

امانت‌داری را عقل کشف می‌کند که خوب است و خودش حکم نمی‌دهد

در ساحت تربیت و زندگی شما نمی‌توانید به کسی حکم کنید

شما حکم‌ها را از کتاب در می‌آورید

وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ: اعتقاد رجعت به سوی خداست

رجعت یعنی شما جایی بوده‌اید، آمده‌اید و بر می‌گردید

انسان فکر می‌کند مختصات اصلی انسان در دنیاست در حالیکه مختصات اصلی انسان جای دیگری است که از آن هبوط پیدا کرده است

همه انسان‌ها بدون استثناء در بهشت بوده است

جهنم از فقدان بهشت شکل گرفت

همه انسان‌ها در بهشتند و به اندازه احراز نکردن بهشت برای خودشان جهنم می‌سازند

این چهار مورد وجوب قرب و دلایل وجود آن برای بدست آوردن و میل به قرب هستند

تقرب باب تفاعل است مثل تدبر

یعنی انسان برای رسیدن به تقرب باید کارهایی انجام دهد

چهار امری که در آیات انتهایی است برای رسیدن به قرب است

وَلَا يَصُدُّكُمْ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلَتْ إِلَيْكُمْ ۚ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ ۚ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

برخی از بحث‌ها هست که شما فقط نشانه‌ای به آن به عنوان گنج اشاره پیدا می‌کنید و مرتب باید به آن مراجعه کنید

محور سوره روی نظام اختیار بود و بعد آیه و گیرندگی قلب انسان

اینکه انسان می‌تواند قلبش منحرف شود و بشود غاوون یا قلبش سلیم باشد



در سوره نمل بحث انسانی مطرح شد که وصل به غیب و کتاب و نیروهای غیبی است

اسلامش با رویکرد آیات غیبی است

در این سوره انسانی ترسیم شد که در نظام غیب به او افعال خدا نمایانده می شود

در سوره قصص روی فرد و سیستم فرد نشست و خود فرد تبدیل به گیرنده شد

ظرفیت وحی در او اتفاق افتاد و آن انسان می شنود و طبق شنیده هایش حرکت میکند

در هر سوره منظری از آیات انتهایی سوره قصص پیدا می شود

در سوره شعراء آنچه در مورد تقرب گفته شد از طریق اختیار و قلب سلیم و دور شدن از غی رخ می دهد

در سوره نمل از طریق اسلام و القای کتاب و آخرت گرایی و توجه به غیب این اتفاق می افتد

در سوره مبارکه قصص توحید و تقرب از طریق ایجاد ظرفیت پذیرش وحی و حسنه و داشتن خلوص کامل اتفاق می افتد

در هر سه سوره بحث اختیار خیلی مهم می شود ولی وقتی به سمت انتها می رویم آنچه خیلی مهم می شود قرار گرفتن در راستای

اوامر و نواهی خدا مهم می شود

سوره قصص سوره رها شدن در جریان اراده خداست

غرض هر سه سوره سیر تقرب الی الله و لوازم آن است

اگر کسی بخواهد در حوزه تقرب الی الله خود را قوی کند و خلوص در تقرب پیدا کند و بخواهد در آن پاک شود با سوره های

طواسین می تواند

پاک شو تا جلوه کنی تا مالک شوی... فرد با این سوره ها جنسش وجه الله می شود

این سوره ها انسان را وجه الله می کند و این تقرب است

از انسان وجه الله می سازد

این حرف یعنی اینکه وقتی فرد وجه الله شود مظهر فعل الله می شود و حالات و سکناات انسان مومن تصریف وجه الله است

کسی که همه حالاتش از حکم الهی است و او می شود وجه الله

تا سیره کسی وجه الله نباشد حجت نمی شود

این سه سوره راه دستیابی به وجه الله شدن را گفته است